

# تنگناهای اتحاد استراتژیک

## بین ایران و روسیه

افشین زرگر

### درآمد

علی‌رغم گسترش تدریجی روابط ایران و روسیه و رشد همکاریهای دو کشور در برخی حوزه‌ها مانند حل و فصل منازعات منطقه‌ای و داد و ستدهای نظامی، سطح تعاملات دو کشور هیچ‌گاه به نوعی اتحاد و ائتلاف عمیق و پایدار نیانجامیده است و در واقع یا به خاطر عدم ضرورت در ایجاد نوعی اتحاد استراتژیک بین دو کشور و یا به دلیل وجود برخی موانع جدی این امر ممکن نگردیده است.

با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل که از آغاز دهه ۱۹۹۰ به تدریج ایالات متحده هژمونی خود را در جهان گسترش داده و در واقع قدرت مادی و فکری خود را به شدت و به‌طور ملموس‌تری، جهانی نموده است و نقش

در تعاملات بین‌المللی عوامل ذهنی، روانی و فرهنگی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند به گونه‌ای که به سطح، نوع و ماهیت روابط شکل داده و تا میزان زیادی به الگوهای دشمنی و دوستی شکل می‌دهند. البته این بدان معنا نیست که سایر عوامل مانند منافع ملی، شرایط زمانی و جغرافیایی، عامل ساختار و ماهیت نظام بین‌الملل و... تأثیرگذار نباشد بلکه آمیزه‌ای از این عوامل به الگوهای تعاملات شکل می‌دهند. در این نوشتار با عنایت به تأثیرگذاری عوامل متعدد سعی خواهد شد تا از دریچه عوامل نوع اول به موضوع روابط ایران و فدراسیون روسیه نگرینسته شود. در بیش از یک دهه اخیر

سایر بازیگران ملی (مانند روسیه) و فرا ملی (مانند سازمان ملل متحد) را به چالش کشیده است و در مناطق حساس جهان نظیر خاورمیانه و به ویژه در بخش بسیار استراتژیک آن یعنی خلیج فارس حضور چشمگیرتر و گسترده تری یافته و به طور ملموس تر و شدیدتری بازیگران منطقه ای (نظیر ایران) را تهدید نموده است، به نظر ایده ایجاد نوعی اتحاد و ائتلافها در گونه های،

مختلف، مابین برخی کشورهای نیرومند و بزرگ (مانند چین، روسیه، هندوستان و...) و دولتهای متوسط و کوچک، نیرومندتر شده است. در مورد ایران نیز باید گفت که با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین الملل که تهدید ایالات متحده برای برخی از دولتها به ویژه در خاورمیانه جدی تر از گذشته شده است و با توجه به خصومت مابین دولت ایران و دولت ایالات متحده، ایده ضرورت اتحاد ایران با برخی از قدرتهای بزرگ مانند روسیه و چین در تئوری، در نزد عده ای قابل توجه نموده است.

البته اگرچه با توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین الملل و الگوی تعاملات ایران و ایالات متحده برخی از ضرورت گسترش همکاریهای استراتژیک ایران با روسیه دفاع می کنند ولی باید از این عوامل نیز غافل نباشیم که روسیه خود اسیر مسائل و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بی شماری است که اعتماد به اتحاد با آن کشور را برای هر کشوری سست می نماید و اصلاً دولت ایران برای حل مسائل و مشکلات

خود پیش از آنکه به فکر اتحاد و ائتلاف با سایر قدرتهای بزرگ مانند روسیه بیافتد، می تواند راههای بهتری را امتحان نماید از جمله تلاش برای حل مسائل سیاسی خود با اروپا و حتی در گامی فراتر بهبود روابط با ایالت متحده آمریکا به عنوان نیرومندترین بازیگر کنونی عرصه بین الملل که از این طریق بسیاری از نگرانیهای دولت ایران نیز حل خواهد شد.

حال اگر از ضرورت گسترش همکاریهای ایران با روسیه در جهت ایجاد الگوی اتحاد بین دو کشور در راستای تأمین بهتر منافع ملی و کاستن از تهدیدات ملی بگذریم (که به نظر نویسنده این مقاله، نسبت به سایر راهکارها در اولویت نبوده و در واقع نمی تواند با توجه به شرایط حاکم بر روسیه و تعاملات ایران با نظام بین الملل مفید واقع گردد)، موانع بزرگی نیز در راستای چنین امری وجود دارند که مانع از برقراری اتحاد و ائتلاف استراتژیک ایران با روسیه می گردد.

حال با توجه به وضعیت تشریح شده فوق این سؤال مدنظر این مقاله است که «موانع اصلی پیشروی گسترش همکاریهای ایران با روسیه کدامند و چرا ایران نمی تواند به روسیه به عنوان شریک و متحدی استراتژیک اعتماد نماید؟» با عنایت به عوامل مختلف، پاسخ فرضی به سؤال فوق این است که «ذهنیت و تصورات منفی ایرانیان نسبت به روسیه که ریشه های تاریخی دارد مانع اصلی و زیربنایی پیشروی

گسترش همکاریهای ایران با روسیه بوده و اقدامات منفی روسها نسبت به ایران چنان در ذهنیت ایرانیان حک شده است که مانع از اعتماد ایران به روسیه به عنوان شریک و متحدی استراتژیک می‌گردد.»

در این نوشتار با اصل قرارداد عوامل ذهنی، ادراکی و تصویری ایرانیان نسبت به روسها (که در فرهنگ سیاسی ایرانی ریشه دوانده و نگاه ایرانیان به قدرت شمالی را تیره ساخته و بدین گونه به بخشی از هویت ایرانی شکل داده است)، امکان گسترش همکاریهای ایران و روسیه در راستای یک اتحاد استراتژیک را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱- چارچوب نظری

الگو، سطح و ماهیت تعاملات در بین بازیگران مختلف بین‌المللی متنوع است. بر این اساس در یک دسته‌بندی کلی و غالب می‌توان دو الگوی تعاملات را از یکدیگر باز شناخت؛ یعنی الگوی دوستی و دشمنی. در سطوح مختلف تعاملات و کنشها و بین بازیگران مختلف حیات بشری از خردترین واحد یعنی فرد گرفته تا بزرگ‌ترین و مسلط‌ترین واحد یعنی دولت، الگوهای دوستی و دشمنی در همه برهه‌ها و از آغاز بشریت وجود داشته است و اصلاً این تمایز گذاری منشاء اصلی هویت یابی ملل مختلف نیز بوده است. وقتی در زبان محاوره یا زبان آکادمیک گفته می‌شود روابط دو کشور دوستانه، حسنه، تفاهم آمیز و یا

همهانگی ← همکاری ← ائتلاف ← اتحاد  
همگرایی

هر دولتی برای ممکن ساختن هر چه بهتر و مطلوب تر منافع ملی و تأمین امنیت ملی نیازمند

برقراری و بسط روابط با سایر دولتهاست که در این راه در صورت نیاز حتی به ائتلاف اقتصادی یا یک گام پیش تر و در شکل گسترده تر به اتحاد نظامی و استراتژیک هم خواهد اندیشید. همان گونه که هالستی نیز اذعان می دارد: «حکومتهایی که در صدد ایجاد ائتلافهای دیپلماتیک و اتحادهای نظامی دائمی هستند فرضشان این است که با تجهیز تواناییهای خود نمی توانند به هدفهایشان نائل آیند، از منافعشان دفاع کنند یا جلوی تهدیدات تصویری را بگیرند. از این رو به دولتهای دیگری که با مسائل خارجی مشابه رویارو هستند یا در همان هدفها سهیم اند، تکیه کرده و به آنها تعهداتی می سپارند.»<sup>(۳)</sup> هر دولتی در راه بسط روابط و آغاز همکاریها به کشور یا کشورهای بیشتری سوق پیدا می کند که از نظر فرهنگی / فکری / هویتی، سیاسی و اقتصادی با آنها سنخیت بیشتری داشته باشد. سنخیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و از همه مهم تر هماهنگی در زمینه منافع ملی سرآغاز بسط روابط و حرکت به سوی گسترش همکاریها خواهد بود. اگر چه ممکن است کشوری به واسطه برخی فشارها، مقدمات و نیازهای جدی اش در راستای تأمین منافع حیاتی خود مجبور به همکاری یا اتحاد با دولت یا دولتهایی گردد که تعارضات فکری، و فرهنگی شدیدی نیز با آنها

جهت گیریها معمولاً موقتی و مقطعی بوده و به یک اتحاد عمیق و گسترده و پایا نمی انجامد و یا به یک معنا بیشتر قالب همکاری به خود می گیرد تا اتحاد. در واقع اگر چه ممکن است در شرایط بسیار حاد و تحت تأثیر مقدمات منافع ملی و امنیت ملی و فشارهای وارده از سوی ساختار بین المللی نوعی اتحاد مقطعی مابین دو یا چند کشور نامتجانس به ویژه از نظر فرهنگی / هویتی شکل یابد ولی ذهنیتهای، تصورات و ادراکات منفی و متعارض این متحدان به یکدیگر همواره چنین اتحادی را شکننده و سست می نماید.

در تمام مناسبات بین المللی، عدم سنخیت فرهنگی / فکری و روانی مانعی بزرگ در راستای بسط و گسترش تعاملات و همکاریهای بین المللی قلمداد می گردد و بالعکس سنخیت فکری فرهنگی موجب تفاهم و درک بهتر می گردد. این وضعیت را مارسل مرل در سخنرانی خود با عنوان «گفتگوی فرهنگها» به طرز بسیار خوبی نشان می دهد: «فرهنگ اروپا رشته پیوند اروپاییان است. حتی یک کمونیست و یک ضد کمونیست اروپایی بهتر از یک کمونیست اروپایی و یک کمونیست آسیایی یکدیگر را درک می کنند.»<sup>(۳)</sup>

پس با در نظر داشتن دو نکته، بحث را دنبال می نمایم:

الف- کشورها برای تأمین بهتر منافع ملی و نیازهای خود مجبور به همکاری و حتی ورود به ائتلاف و اتحاد با سایر دولتها می شوند.

در تمام مناسبات بین المللی، عدم سنخیت فرهنگی / فکری و روانی مانعی بزرگ در راستای بسط و گسترش تعاملات و همکاریهای بین المللی قلمداد می گردد و بالعکس سنخیت فکری فرهنگی موجب تفاهم و درک بهتر می گردد. این وضعیت را مارسل مرل در سخنرانی خود با عنوان «گفتگوی فرهنگها» به طرز بسیار خوبی نشان می دهد: «فرهنگ اروپا رشته پیوند اروپاییان است. حتی یک کمونیست و یک ضد کمونیست اروپایی بهتر از یک کمونیست اروپایی و یک کمونیست آسیایی یکدیگر را درک می کنند.»<sup>(۳)</sup>

پس با در نظر داشتن دو نکته، بحث را دنبال می نمایم:

الف- کشورها برای تأمین بهتر منافع ملی و نیازهای خود مجبور به همکاری و حتی ورود به ائتلاف و اتحاد با سایر دولتها می شوند.

جدی واقعی یا تصویری را احساس نمایند، که فراتر از توان دفاع و مدیریت آنهاست.

وضعیت حاکم بر صحنه بین الملل در دوره پس از جنگ سرد چنین نیازی را به تدریج در ایران نیرومند ساخته است. همان گونه که ادموند هرزیگ نیز بیان می‌دارد: «پایان جنگ سرد موقعیت ایالات متحده را تقویت کرد و محدودیتهای سابق را نیز از بین برد. این امر به

خودی خود تهدیدی جدی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شد.»<sup>(۴)</sup> وقایع پس از یازده سپتامبر و اقدامات متعاقب آن توسط ایالات متحده در منطقه خاورمیانه و در دو سوی جغرافیایی ایران یعنی افغانستان (در شرق) و عراق (در غرب)، تهدید ایالات متحده را خواه تصویری باشد یا واقعی، برای ایران جدی‌تر و نگران‌کننده‌تر ساخته است. حال آیا ایران می‌تواند خود به تنهایی بر معضلات پیش آمده غلبه نماید و تهدیدات متوجه خود را بر طرف سازد؟ بدون شک آگاهی از عدم توانایی در این کار و یا در نگاهی بسیار خوشبینانه‌تر تردید در این زمینه، ایران را واداشته است که به همکاری در سطوح مختلف با سایر قدرتها نظیر روسیه، چین و اتحادیه اروپا نگاهی ویژه بیافکند. اختلافات سیاسی مابین ایران و اتحادیه اروپا و تلاش اتحادیه اروپا برای هماهنگ نمودن کنشهای خود با ایالات متحده نسبت به ایران و بروز برخی پیچشهای جدی در روابط بین ایران و اتحادیه اروپا و از سوی دیگر عدم آمادگی چین

ب - سنخیت فرهنگی/ هویتی و فکری عامل مهمی در گسترش روابط و همکاریها و درجه پایداری و عمق اتحادها است. مللی که از نظر فرهنگی/ هویتی و فکری سنخیت و سازگاری بیشتری با یکدیگر دارند بهتر با یکدیگر همکاری کرده و همدیگر را درک می‌کنند و این عامل مهمی در شکل یافتن اتحادهای عمیق و پایا است.

حال با این اوصاف، قبل از ورود به سایر مباحث باید ابتدا به این دو سؤال پاسخ داده شود که ۱- آیا در شرایط حاکم بر عرصه بین الملل، ایران نیاز مند ائتلاف و اتحاد با سایر دول است؟ ۲- تعاملات ایران با روسیه در بیش از یک دهه اخیر در چه سطحی قرار داشته و روند تعاملات به چه سویی سوق پیدا کرده است؟

هرکشوری در عرصه بین الملل نیازمند تعامل و همکاری در سطوح مختلف با سایر دول است. در واقع در عصر وابستگی متقابل پیچیده، تمام کشورها به یکدیگر (البته به درجات و اشکال مختلف) نیازمند بوده و برای بر طرف ساختن احتیاجات خود نیاز به همکاری با سایر دول دارند. اگر چه این (همکاری بین المللی) امری عادی در جهان کنونی قلمداد می‌گردد ولی این وضعیت درباره اتحاد و ائتلاف صدق نمی‌کند. در واقع همان گونه که از تعریف هالستی نیز بر می‌آید، کشورهایی به فکر اتحاد با سایر دول می‌افتند که از دستیابی به اهداف حیاتی، خود را ناتوان دیده و تهدیدات وجودی

در بر عهده گرفتن نقش بزرگ در سطح جهانی و عدم نگاه جدی به مسائل دور از خود، به ویژه خاورمیانه، سبب شده است که بالاجبار ایران، روسیه را در کانون توجه خود قرار دهد، روسیه ای که اعتماد به او بسیار تردید برانگیز است. حال برای پاسخ به سؤال دومی که در بالا بدان اشاره رفت، کار سهل تر می گردد. البته از آنجایی که در گفتار سوم به روابط و همکاریهای ایران در بیش از یک دهه اخیر به طور جامع خواهیم پرداخت، فقط در اینجا در مورد سطح روابط بین دو کشور مواردی را ذکر می کنیم. بر اساس وضعیت حاکم بر عرصه بین الملل که فشارهای جدی را بر هر دو کشور ایران و روسیه وارد می کند و با توجه به نیازهای نظامی، روانی و پرستیژیکی ایران، برای ایفای نقشی مهم حداقل در سطح منطقه ای، رفع تهدیدات ملی، از سوی دیگر فشارهای اقتصادی وارده بر روسیه و نیز تلاش این کشور برای حفظ حداقل جایگاه و نقش بین المللی خود، ایران و روسیه در مسیر گسترش همکاریها در سطوح مختلف به ویژه نظامی/ استراتژیک حرکت نموده اند ولی این تعاملات در شکل همکاری و در قالب روابط حسنه مانده است و به نظر یک نیروی نامربی مانع از نزدیکی بسیار زیاد ایران به روسیه و اعتماد گسترده ایران به آن کشور می شود. این نیروی نامربی را من در ذهنیت تاریخی و تصورات ایرانیان و در یک معنا هویت ایرانی نسبت به روسها مشاهده می کنم و از آنجا که

سیاست خارجی هر کشوری در واقع بازتاب هویت، فرهنگ و در یک کلام روح یک ملت است، در این باره نیز در سیاست خارجی ایران نسبت به روسیه این وضعیت را می توان مشاهده نمود، یعنی به واسطه ذهنیت تاریخی، احتیاط شدید در زمینه اعتماد، وجود دارد. این ایده را با رجوع به ادراکات، تصورات و نگرشهای ایرانیان نسبت به روسها که بر انگیزنده از تاریخ تعاملات دو ملت است مورد بررسی و مطالعه قرار می دهیم.

## ۲- روسها و ایرانیان

هر ملتی تحت تأثیر سوابق تاریخی خود که شامل شکستها و پیروزیها، مصایب و کامیابیها می شود دارای یک ذهنیت تاریخی است. این ذهنیت شکل گرفته در هر ملتی به نوع نگرش آنها نسبت به دیگر ملتها شکل می دهد و بدین گونه بر نوع و سطح تعاملات آن با دیگران تأثیر می گذارد. اگر ایرانیان نسبت به اعراب (و نیز به طور متقابل) همواره نوعی نگرش منفی دارند این به خاطر ذهنیت تاریخی ایرانی است که تحت تأثیر وقایع تاریخی و اقدامات اعراب در ایران بوده است. و اگر ایرانیان نسبت به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در مجموع نگرش مثبت و علائق ویژه ای دارند این بدین خاطر است که در ذهنیت تاریخی ایرانی، این ملتها برای قرنهای در حوزة تمدن ایرانی قرار داشته و خاطرات و پیوندهای تاریخی و فرهنگی

مشترکی با آنها دارند. بدین گونه می‌بینیم که ذهنیت تاریخی هر ملتی می‌تواند تحت تأثیر سوابق تاریخی نسبت به ملل دیگر مثبت یا منفی باشد و از این منظر به هویت خود شکل دهد. از منظر اول هویت ایرانی در مقابل و تعارض با هویت عربی قرار می‌گیرد و بدین گونه همواره نوعی الگوی ستیزشی در تعاملات دو طرف ایجاد می‌کند در مقابل از منظر دوم هویت ایرانی با هویت ملل آسیای مرکزی و قفقاز سازگار است و حتی از جنبه‌ای می‌توان گفت هویت ایرانی تحت تأثیر همان ذهنیت تاریخی، هویت خود را بر آن ملل نیز شمولیت می‌دهد. در مورد ذهنیت تاریخی ایرانی نسبت به روسها که موضوع این نوشتار نیز می‌باشد باید گفت که به دلیل غلبه خاطرات منفی (بر مثبت) ایرانیان نسبت به روسها و اقداماتشان در ایران همواره نوعی بدبینی، بی‌اعتمادی و ترس و نفرت در میان ایرانیان وجود دارد. در واقع باید گفت که «در چشم ایرانیان روسیه کشوری است که همواره در طول تاریخ چشم طمع به خاک ایران داشته و در هر فرصتی که به دست آورده به سرزمینهای ایران تجاوز کرده است. در چشم ایرانیان روسها در کنار انگلیسیها از اصلی‌ترین عوامل توسعه نیافتگی و عقب ماندگی کشور به شمار می‌آیند.»<sup>(۵)</sup> گراهام فولر نیز این نگرش منفی ایرانی نسبت به روسها را مورد تأکید قرار داده و می‌نویسد: «... نفوذ روسیه و مداخله همیشگی این کشور در امور داخلی ایران در دوره‌های تزاری، در روان ایرانیان به روشنی حک شده است. در دوران معاصر فقط بریتانیای کبیر است که همراه با روسیه بزرگ‌ترین کنترل استعماری را بر ایران اعمال کرده است.»<sup>(۶)</sup> وی همچنین به نقل از کتاب حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه می‌نویسد: «و اما روسها اروپایی نیستند- آنها از سگهای اروپا هم کم‌ترند. بعد از آن، زناده روس منحوس است، که ملتی نجس‌العین و عین نجاستند... دشمن حقیقی ما این است.»<sup>(۷)</sup>

سیاستها و اقدامات قدرتهای بزرگ در ایران، بر فرهنگ سیاسی ایرانی تأثیر شدیدی گذاشته و عنصر قوی بیگانه ترسی را، در آن نیرومند ساخته و نگرش شدید منفی را به درجات مختلف، نسبت به قدرتهای بزرگ رشد داده است. ادموند هرزیک در این باره چنین می‌گوید: «از قرن نوزدهم به این سو، رقابت یا همکاری قدرتهای بزرگ تأثیر عمیقی بر تاریخ ایران گذارد؛ و نه تنها چارچوب سیاست خارجی این کشور را شکل داده، بلکه تحولات اقتصادی و سیاسی آن را نیز رقم زد... مردم ایران معتقدند که سیاست قدرتهای بزرگ تعیین‌کننده تاریخ معاصر ایران بوده است. بازیهای تلخ و مرموز روسیه، بریتانیا، و ایالات متحده منشا کلیه مشکلات ایران قلمداد می‌شود.»<sup>(۸)</sup>

بدون شک ذهنیت ایرانی تحت تأثیر اقدامات روسها در ایران، نسبت به آنها منفی و تیره می‌باشد و واقعیتی غیر قابل انکار است. برای

روشن شدن بحث، با گریزی که بر تاریخ تعاملات مشترک دو کشور می‌زنیم علل شکل‌گیری چنین ادراکات و نگرش‌های منفی را بازبینی می‌نماییم. در طی دو، سه سده اخیر روسها در ایران و حوزه تمدن ایرانی (آسیای مرکزی و قفقاز) اقداماتی را انجام داده‌اند که روح و روان ایرانی را آزوده است. از همان آغاز قدرت‌گیری روسها، ایران و حوزه‌های تمدن ایرانی برای آنها جذاب جلوه کرده و لذا به تدریج دست‌اندازیها و گسترش طلبیهای آنها را سبب گردید.<sup>(۹)</sup> اهداف روسها طی چندین قرن نسبت به ایران را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

- ۱- تصرف سرزمین تا هر کجا که ممکن باشد.
  - ۲- جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف منافع روسیه در سرزمین ایران.
  - ۳- کسب سیطره بر سیاستهای داخلی و خارجی ایران به منظور به حداقل رساندن نفوذ دولتهای خارجی در ایران و کسب حداکثر منافع اقتصادی و سیاسی در ایران<sup>(۱۰)</sup>
- از قرن هفدهم با رشد تدریجی قدرت روسیه از یک سو و ضعف و افول تدریجی قدرت ایران، این اهداف به مرور زمان عملی‌تر می‌گردید. جذابیت قلمروهای جنوبی و به‌ویژه دسترسی به خلیج فارس و آبهای گرم بین‌المللی، روسها را به گسترش طلبی به سوی جنوب وامی‌داشت. روی کار آمدن خاندان رومانوف در روسیه که باعث تمرکز بیشتر قدرت در روسیه شد هم

زمان است با حمله محمود افغان به اصفهان و تضعیف شدید حکومت مرکزی ایران. درست در همین زمان روسها از وضعیت آشفته ایران سوء استفاده نموده و به گسترش طلبی ارضی روی می‌آورند چنان‌که در زمان پطر کبیر نواحی مهمی از خاک ایران در شمال کشور از جمله گیلان و مازندران را به اشغال خود درمی‌آورند.<sup>(۱۱)</sup> روسها در طی دو، سه سده قسمتهای زیادی از خاک ایران را تصرف کرده و برای همیشه از خاک ایران جدا کردند. گسترش طلبی روسها و اقدامات آنها در زمینه تصرف خاک ایران و اعمال سلطه بر سرزمینهای واقع در حوزه تمدن ایرانی بسیار گسترده و البته برای ایرانیان بسیار دردناک بوده است. به طور کلی اقدامات و سیاستهای منفی روسها نسبت به ایران که عمدتاً در چارچوب گسترش طلبی و سلطه جویی بوده است را می‌توان در این موارد خلاصه نمود:

- ۱- عهد نامه گلستان ۱۸۱۳: در پی جنگهای ایران و روسیه در اوایل قرن نوزدهم و از دست رفتن بسیاری از سرزمینهای ایران، بین دو کشور پیمانی منعقد شد که به موجب آن، ایران بسیاری از متصرفات خود را در قفقاز، از جمله باکو و دربند و گنجه و گرجستان و حتی حق کشتیرانی در دریای مازندران را نیز از دست داد که بنا بر همین تعهد این دریاچه به روسیه تعلق می‌یافت. از همه‌نگین تر طبق ماده ۵ عهدنامه، روسها عباس میرزا را وارث قانونی تاج و تخت



کرمانشاه، کردستان، خانیقین و قصر شیرین بود. حوزه نفوذ انگلستان نیز این نواحی را در برمی گرفت: بیرجند، قاینات، خوزستان، فارس، لرستان، بختیاری، چهارمحال، و بوشهر.<sup>(۱۵)</sup>

۵- کمک به محمد علی شاه در سرکوب جنبش مشروطه ۱۹۱۲: مجلس مشروطه توسط لیاخوف روسی به توپ بسته شد و محمد علی شاه با کمک جدی روسها، اولین جرقه و حرکت آزادی خواهانه را سرکوب نمود. در این راستا روسها در اعدام بسیاری از مشروطه خواهان (مانند مجتهد اعلم آذربایجان ثقة الاسلام و بسیاری دیگر) نقش مستقیم داشتند.<sup>(۱۶)</sup> در همین دوران حمله آنها به مرقد امام رضا و کشتن تعداد زیادی از مردم و تخریب برخی از بناهای مذهبی موجب آزردهی مردم ایران شد.<sup>(۱۷)</sup>

۶- اشغال ایران در جنگ جهانی اول.  
۷- قرارداد ۱۹۱۵ روس و انگلیس و توافق در زمینه اعمال نفوذ و تقسیم منافع خود در ایران.

۸- تحریک جریانهای جدایی طلب در ایران در برهه های مختلف: روسیه بین سالهای ۱۹۱۶-۱۹۲۰ از جنبش چپ گرا- ملی گرا در گیلان حمایت کرده و در سال ۱۹۲۰ ارتش سرخ در جریان اعاده کنترل بر قفقاز، در سواحل دریای خزر در ایران نیرو پیاده کرد و به حمایت از جمهوری سوسیالیستی که

ایران دانسته و قول دادند چنانچه بر سر مسئله جانشینی اختلافی روی دهد او را یاری کنند، در واقع اعمال مشروعیت از سوی یک قدرت استعماری.<sup>(۱۲)</sup>

۲- عهد نامه ترکمانچای: این عهدنامه در سال ۱۸۲۸ در روستای ترکمانچای بین دو کشور منعقد شد و به موجب آن ایران علاوه بر سرزمینهای وسیعی که از دست داد، مجبور به پرداخت ۲۰ میلیون روبل به روسها شد و نیز مجبور به دادن امتیازات ننگین بیشماری از جمله حق کاپیتولاسیون به روسها شد.<sup>(۱۳)</sup>

۳- تصرف نواحی مختلف آسیای مرکزی که همواره در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی قرار داشته و در ورق ورق تاریخ ایران دارای جایگاه مهم و برجسته ای بوده است. اشغال نواحی مانند: تاشکند ۱۸۶۵، خیوه ۱۸۷۳، خوقند ۱۸۷۶، مناطق ترکمن نشین ۱۸۸۱، و مرو در سال ۱۸۸۴.

۴- قرار داد ننگین ۱۹۰۷: به موجب این قرارداد روسیه و انگلستان در اقدامی وقیحانه در صدد برآمدند ایران را بین خود تقسیم نمایند. این قرار داد بر نفرت ایرانیان نسبت به روسیه و انگلستان افزود.<sup>(۱۴)</sup> به موجب این قرارداد حوزه نفوذ روسیه شامل آذربایجان، خراسان، گرگان، مازندران، گیلان، اراک، قم، ساوه، یزد، نایین، اصفهان، بروجرد، تهران، قزوین، زنجان، همدان،

به امتیاز رویترا ۱۸۷۵، ویافشارجدی برایان پس از جنگ جهانی دوم برای گرفتن امتیاز نفت شمال.

۱۲- تأسیس بریگارد قزاق و سالها اعمال نفوذ از طریق آن.

۱۳- عدم تحویل ۱۱ تن طلای قابل پرداخت به ایران در زمان دکتر مصدق و در مقابل، تحویل آن به کابینه کودتا (زاهدی) که در واقع به نوعی به سقوط دکتر مصدق کمک کرد و از دولت کودتا حمایت نمود.

۱۴- تهاجم نظامی به افغانستان و اشغال خاک آن کشور در سال ۱۹۷۸ که به نوعی خاطره توسعه طلبی روسها را در نزد ایرانیان زنده کرد.

۱۵- کمکهای نظامی گسترده به طرف جنگ با ایران یعنی عراق: در طول جنگ ایران و عراق اتحاد جماهیر شوروی به دلیل روابط خاصش با عراق، از آن کشور حمایت می نمود. به ویژه با نخستین پیروزیهای ایران در جبهه های جنگ و قرار گرفتن ایران در موضع تهاجمی، کمکهای نظامی مسکو به عراق افزایش یافت.<sup>(۱۹)</sup>

۱۶- نقض آشکار حقوق تاریخی ایران در دریای خزر.

در مجموع باید گفت که با توجه به جایگاه برجسته روسیه تزاری و خلف نیرومندتر آن یعنی اتحاد شوروی در نظام بین الملل و قدرت چشمگیر آن، ایران همواره نسبت به مرزهای

به تازگی در گیلان اعلام شده بود برخاست.<sup>(۱۸)</sup> پس از جنگ جهانی نیز از حرکت های جدایی طلبانه در دو استان کردستان و آذربایجان به شدت حمایت نموده و تهدید همیشگی خود را عیان تر جلوه نمودند.

۹- اشغال و نقض آشکار بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم همراه با انگلیس و ایالات متحده.

۱۰- عدم ترک خاک ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم: در پی شکست آلمان و متحدینش از دول متفق و پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی برخلاف تعهدات خود در زمینه ترک خاک ایران عمل نمود و نه تنها نیروهایش را خارج نکرد، بلکه حرکت های جدایی طلبانه را در ایران تحریک و سعی در کسب امتیازات استعماری برآمد. شاید اولین مسئله بزرگی که شاه جوان ایران با آن مواجه گردید همین تهدید بزرگ روسها بود که در سالهای بعدی زمامداری اش شدیداً بر سیاستهایش نسبت به روسها تأثیر گذاشت و به گونه ای ترس از این تهدید (اتحاد شوروی) که شدیداً احساس می شد در گرایش هر چه بیشتر او به غرب تأثیرگذار بود.

۱۱- فشارهای مکرر برای اخذ امتیازات استعماری از ایران: مانند تلاش برای گرفتن امتیاز راه آهن فالکنهاگن در واکنش

شمالی خود بسیار آسیب پذیر و حساس بوده و همواره از دریچه‌ی نوعی نگاه واهمه‌آمیز، نسبت به مرزهای شمالی‌اش نگریسته است. سوابق منفی و مرعوب کننده روسها نسبت به ایران، در ذهنیت ایرانی حک شده و همواره بر تعاملات ایران با روسیه تأثیرگذار است.

هویت ایرانی خاطره خوبی از روسها ندارد و همواره وقتی که به مرزهای شمالی‌اش می‌نگرد شاید بیش از هر چیز، حس حسرت به گذشته و تمدن بزرگ و گسترده‌اش بنماید و به سرزمینهای وسیعی که از خاک ایران جدا شده است. بازتاب هویت هرملتی رامی توان در نوع تعاملاتش (ستیزشی یا دوستانه) با سایر ملل مشاهده نمود و بدون شک تعاملات ایران و روسیه نیز از این معادله نمی‌تواند خارج باشد

### ۳- تعاملات ایران و روسیه از ۱۹۹۱ تاکنون

آغاز نزدیکی ایران و روسیه به اواخر دوره گورباچف باز می‌گردد یعنی زمانی که آقای هاشمی رفسنجانی در ژوئن ۱۹۸۹ از مسکو دیدن نمود و چند موافقتنامه مهم به ویژه در زمینه نظامی با آن کشور منعقد کرد. در اعلامیه مشترکی، دو کشور بر دیدگاههای هماهنگ و مشترکشان در مورد خلیج فارس و ضرورت خروج ناوگانهای کشورهای بیگانه از منطقه و نیز ضرورت ایجاد دولتی مستقل در افغانستان صحه گذاشتند.<sup>(۲۰)</sup>

قطع فروش تسلیحاتی غرب به ایران و نیازهای تسلیحاتی گسترده این کشور به ویژه در زمینه ناوگان هوایی که در اثر جنگ فرسایشی

میرود شاید بیش از هر چیز، حس حسرت به گذشته و تمدن بزرگ و گسترده‌اش بنماید و به سرزمینهای وسیعی که از خاک ایران جدا شده است. بازتاب هویت هرملتی رامی توان در نوع تعاملاتش (ستیزشی یا دوستانه) با سایر ملل مشاهده نمود و بدون شک تعاملات ایران و روسیه نیز از این معادله نمی‌تواند خارج باشد مگر اینکه برخی مقدمات و فشارهای محیطی و ساختاری و شرایط زمانه، صورت مغایر با آن (پارادوکسیکال) یا موقتی بدهد. وضعیتی که در حال حاضر به نظر در مورد نوع تعاملات ایران و روسیه صادق است یعنی در عین اینکه ادراکات، تصورات و ذهنیت ایرانی نسبت به روسیه مطلوب نمی‌باشد ولی در عمل تحت تأثیر فشارهایی که از سوی نظام بین‌الملل بر ایران وارد می‌شود و با توجه به مشکلاتی که ایران با نیرومندترین بازیگر ملی کنونی عرصه بین‌الملل یعنی ایالات متحده و سیاستها و هنجارهای جهانی او دارد، به نوعی برخی منافع و نگرانیهای ایران هم عرض برخی منافع و

با عراق صدمات جدی به آن وارد شده بود، ایران را واداشت تا به روسیه روی بیاورد و روسها نیز به دلیل منافع اقتصادی چشمگیری که چنین داد و ستدی می توانست عایدشان کند و نیز دست یافتن به نفوذ استراتژیک در ایران، به توسعه روابط با این کشور تمایل نشان دادند. شرایط حاکم بر روابط ایران با غرب و به ویژه ایالات متحده چنین نزدیکی را ممکن تر می ساخت. روابط دو کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان با نوساناتی مقطعی روبه رو بود. ایران در تمام سالهای پس از استقلال روسیه تلاش نموده است که جایگاه ویژه ای را در روابط خارجی اش به این کشور بدهد و سیاستهای خود در آسیای مرکزی و قفقاز را نیز در این راستا با روسیه هماهنگ نماید و حتی بر خلاف آرمانهای انقلابی اش در مورد چین و برخی سیاستهای روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز تا حدود زیادی سکوت اختیار کند و تلاش نماید تا موجب ناراحتی آن کشور نگردد. همان اندازه که ایران خود را مجبور به نزدیکی با روسیه دیده است روسیه نیز به گونه ای تأمین برخی منافع و اهداف منطقه ای اش را در نزدیکی با ایران دنبال نموده است. این امر موجب برقراری نوعی روابط استراتژیک بین دو کشور شده است.

رابرت فریدمن این روابط استراتژیک را چنین شرح می دهد: تا تابستان ۱۹۹۵ ایران و روسیه وارد مرحله ای از روابط شدند که سفیر

ایالات متحده، یاری رسان روسیه باشد.<sup>(۲۲)</sup> ادموند هرزیگ نیز از منظر نیازها و علایق ایران، این نزدیکی بین دو کشور را چنین توضیح می‌دهد: «ایران از چند جهت خواهان برقراری رابطه با روسیه است. روسیه یکی از شرکاء تجاری عمده محسوب شده، و در زمینه تسلیحات، تکنولوژی، و نیروی هسته‌ای علاقه‌مند به همکاری با ایران است. ایران و روسیه نگرانیهای مشترکی در زمینه ملی‌گرایی و جدایی‌طلبی در حوزه جنوبی شوروی سابق دارند. روسیه محافظ مرزهای کشورهای مشترک‌المنافع (به استثنای آذربایجان) است و ایران نیز خواهان حفظ وضعیت موجود مرزها است. به علاوه اگر چه روسیه دیگر دومین ابرقدرت جهان محسوب نمی‌شود، اما نسبت به عدم‌پذیرش نیروهای خارجی در ساختارهای امنیتی منطقه متعهد است.»<sup>(۲۳)</sup> براین اساس است که روسیه و ایران هر یک به نوعی به یکدیگر نیاز پیدا کرده و در پی رفع برخی تنگناها و نیازها در جهت گسترش روابط گام برداشته‌اند.

دیدار آقای خاتمی از مسکو در مارس ۲۰۰۱ (به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران که از روسیه دیدن می‌کرد) تحکیم‌کننده روابط بین دو کشور بود و طی این سفر توافقنامه‌های مهمی در زمینه‌های مختلف از جمله همکاری اقتصادی، بین‌خاتمی و پوتین منعقد شد و دو طرف بر دستیابی به توافق مشترک در زمینه دریای خزر تأکید کردند.

در مجموع تحت همان شرایطی که قبلاً بیان شد دو کشور به مرور زمان به گسترش همکاریها در زمینه‌های مختلف سوق داده شده‌اند. در ادامه به طور مجزا و بر اساس درجه اهمیت به دو مورد از حوزه‌های تعاملات دو کشور در طول بیش از یک دهه اخیر می‌پردازیم:

### ۳-۱- روابط ویژه در امور نظامی - استراتژیک

یکی از حوزه‌های بسیار مهم و چشمگیر همکاری ایران و روسیه در دوره جدید که البته آغاز آن به سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد، امور نظامی و تسلیحاتی است. البته در این زمینه ایران خریدار و سفارش‌دهنده، و روسیه فروشنده و تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی ایران بوده است.

البته در دوره حکومت سابق ایران (در دهه ۱۹۷۰) نیز برخی خریدهای تسلیحاتی از اتحاد شوروی صورت گرفت که این امر در راستای کوشش محمدرضا پهلوی در جهت رفع خطری بود که به خاطر وابستگی بیش از حد به سلاحهای غربی حس می‌کرد و در نظر داشت تا تعادل ژئواستراتژیک در منطقه برقرار نماید. (آنا تولی ایوگو، همکا، ص ۶۳-۶۴) اگر در دوره پهلوی ایران به اختیار خود و بر اساس تلاش برای تنوع بخشی به منابع تسلیحاتی خود و کاهش وابستگی به سلاحهای آمریکایی، بخش کوچکی از بودجه خرید تسلیحاتی خود را متوجه قدرت شمالی کرد، در مقابل، در زمان جمهوری

اسلامی با کاهش انبارهای تسلیحاتی و آسیب وارد آمدن جدی به نیروهای سه گانه در پی جنگ با عراق، ایران مجبور به روی آوردن به تسلیحات روسی گردید (زیرا دیگر بر خلاف گذشته نمی توانست به آسانی به تسلیحات غربی دست یابد)، گرایشی که برای روسیه نیز منافع چشمگیری در پی داشت. براساس برخی آمارها، بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ ایران معادل ۵ میلیارد دلار از روسیه تسلیحات نظامی وارد کرده است.<sup>(۲۴)</sup> در بهمن ۱۳۷۴ (فوریه ۱۹۹۶) خبرگزاری اینتر فاکس از میزان مبادلات نظامی دو کشور که بالغ بر فروش ۴۳۷ میلیون دلار تجهیزات و خدمات نظامی به ایران بود، خبر داد.<sup>(۲۵)</sup> در اواخر دسامبر ۲۰۰۰ در پی دیدار وزیر دفاع روسیه سرکشی ایوانوف از ایران، اعلام گردید که روسیه و ایران با یک برنامه همکاریهای بلند مدت سیاسی و نظامی توافق به عمل آورده اند. در سال ۱۹۹۸ ایران اظهار داشت که مایل به خرید هشت موشک زمین به هوای S-300 PMU1، هزار موشک ایگلا Iglu، بیست و پنج هلی کوپتر Mi-17-IB و هشت هواپیمای سوخوی ۲۵ روسی است، این لیست احتمالاً هنوز پایر جا است. در اکتبر ۲۰۰۱، وزیر دفاع ایران علی شمخانی از مسکو دیدار نمود و یک قرارداد ۳۳ میلیون دلاری پنج ساله را به امضاء رساند. این امر می تواند ایران را به سومین خریدار بزرگ تسلیحاتی (بعد از چین و هند) از روسیه تبدیل نماید، امری که بر خلاف خواسته های ایالات

متحده است.<sup>(۲۶)</sup> شاید روسیه با آگاهی به ناراحتی و واکنش منفی آمریکا، بر گسترش همکاریهای نظامی با ایران اصرار می ورزد تا از این طریق در چانه زنی با آمریکا بتواند از این امر در جهت به دست آوردن برخی امتیازات (عمدتاً اقتصادی) استفاده نماید.

یکی از حوزه های همکاری ایران و روسیه، ساخت نیروگاه اتمی در ایران است که شدیداً نگاههای بین المللی را به خود واداشته است. قرارداد همکاری ایران و روسیه در زمینه ساخت نیروگاه اتمی اگرچه برای روسیه بسیار سودآور بوده است ولی از سوی دیگر از برخی جهات به ویژه تبعات سیاسی و بین المللی اش برای ایران بسیار پرهزینه بوده است. مبلغ توافق ایران و روسیه برای ساخت نیروگاه هسته ای بوشهر (۲۵ آگوست ۱۹۹۲) که شدیداً آمریکا را به خشم آورده ۸۰۰ میلیون دلار بوده است.<sup>(۲۷)</sup> شرکت اتموس تروس اکسپرت روسیه از سال ۱۹۹۸ مسئولیت ساخت رآکتور اتمی بوشهر را برعهده گرفته است و قرار بود که تا سال ۲۰۰۳ این پروژه تکمیل شود.<sup>(۲۸)</sup> ایران و روسیه برای ساخت سایر نیروگاهها نیز مذاکراتی داشته و به توافقاتی نیز رسیده اند. در طی نشست پوتین و خاتمی در مسکو در سال ۲۰۰۱، خاتمی طرحهایی را برای سفارش دادن یک رآکتور دیگر پس از تکمیل رآکتور اول تأیید نمود. البته تأخیر در ساخت نیروگاه اول موجب بروز برخی اصطکاکها بین دو کشور شده است. مبلغ قرارداد

دوم می تواند بالغ بر یک میلیارد دلار باشد.<sup>(۲۹)</sup> به هر حال تحت تأثیر مسائل و مشکلات و شرایط خاص، ایران و روسیه در مسیر همکاریهای نظامی / هسته ای گام برداشته اند، همکاریهایی که شاید روسیه از طریق آن در پی ۱- کسب منافع اقتصادی؛ ۲- از آن مهم تر کسب نفوذ در ایران و ۳- در دست داشتن برگ ایران در تعامل و چانه زنی با غرب و به دست آوردن برخی امتیازات در این زمینه؛ و شاید ۴- ایجاد نوعی بالانس منطقه ای بر اساس خواسته های خود بدین گونه که با جلب نظر ایران آرایش نیروها را طوری در منطقه بچیند که خود همچنان فاعل و بازیگر اصلی در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز باشد (استفاده از ایران در جهت خنثی کردن بهتر سایر نیروها).

### ۲-۳- تعاملات دو کشور در حوزه خزر، آسیای مرکزی و قفقاز

منافع و علایق ایران و روسیه در آسیای مرکزی، قفقاز و دریاچه خزر، در برخی از جنبه ها سازگار و موازی است ولی از برخی جهات نیز متعارض و ناسازگار است.

لئونید اسکلیارف در حدود یک دهه قبل در مورد روابط ایران و روسیه در آسیای مرکزی بیان می کند: «ایران و روسیه در آسیای مرکزی بیشتر رقیب هستند تا شریک. روسیه تمایل دارد تا کشورهای آسیای مرکزی به صورتی واحد در سیستم اقتصادی کشورهای مشترک المنافع حفظ شوند و ایران هم سعی می نماید تا هرچه

بیشتر این کشورها را به همکاریهای منطقه ای در چارچوب سازمان اکو و جریان کالا و مواد اولیه این کشورها از شمال به سمت جنوب تشویق کند که در نهایت موجب افزایش و گسترش همکاریهای حمل و نقل، بانکی - مالی و ارتباطات زیربنایی در چارچوب اکو و در میان مناطق آسیای مرکزی و غرب می گردد.»<sup>(۳۰)</sup> البته به مرور زمان با توجه به مسائل و مشکلات خاص ایران و تلاش این کشور برای جلب دوستی بیشتر روسیه، ایران تلاش نموده است که در مجموع در امور منطقه ای سیاستها و خط مشیهای خود را با روسیه هماهنگ تر نماید.

تأمین صلح و ثبات منطقه ای از جمله حوزه هایی بوده است که دو کشور را به همکاری با یکدیگر واداشته است. تضمین صلح و امنیت در بخشهای جنوبی روسیه و مناطق شمالی ایران، به طور طبیعی همکاری هر دو ملت را به عنوان وزنه های عمده منطقه و همچنین خلق نوعی نگاه ایرانی - روسی نسبت به مسائل این بخش از جهان، طلب می کند.<sup>(۳۱)</sup> ایران هر نوع بی ثباتی در منطقه را، تهدیدی جدی نسبت به منافع ملی خویش تلقی می کند و همواره در صدد مقابله و تحدید عوامل تشنج و بی ثباتی بر آمده است. این اقدامات شامل میانجیگری فعالانه در منازعات و حمایت ضمنی از دول موجود و نیز نقش روسیه در ساختارهای امنیتی کشورهای حوزه جنوبی شوروی سابق، بوده است.<sup>(۳۲)</sup> در این راستا ایران در حل منازعه های

منطقه‌ای با روسیه همراه بوده و در فیصله یافتن جنگ داخلی در تاجیکستان نقش مهمی ایفا کرده است. در کل دو کشور در زمینه ضرورت برقراری و حفظ آرامش و ثبات در منطقه اشتراک نظر داشته و در این راستا با یکدیگر همکاری نیز می‌کنند.

یکی از نقاط اشتراک نظر این دو کشور مربوط به نگرانی مشترک هر دو در زمینه افزایش نفوذ، منافع و حضور کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده در منطقه است. ایران و روسیه در مورد افزایش فعالیتهای شرکتهای آمریکایی در منطقه و روابط نظامی بین کشورهای تازه استقلال یافته با واشنگتن ابراز نگرانی و ناخرسندی می‌کنند و می‌کوشند تا از مداخله کشورهای خارجی و به خصوص آمریکا در این منطقه بکاهند. البته از جهتی نیز نوعی اختلاف منافع بین دو کشور وجود دارد. ایران به هیچ وجه موافق این نیست که روسیه در منطقه به هر آنچه که می‌خواهد برسد؛ چرا که این امر ممکن است به امنیت و منافع ملی ایران خدشه وارد کند. در فوریه ۲۰۰۰، آقای خرازی در دیدار با مقامات روسی به این مطلب اشاره نمود که بعضی از کشورهای همجوار دریای خزر می‌خواهند با کشورهای غربی رابطه نزدیکی داشته باشند. وی به طور ضمنی از این موضوع ابراز نگرانی کرد که روسیه در این منطقه قصد دارد بر اوضاع مسلط شود و به کشورهای منطقه اجازه ندهد هر طور که می‌خواهند، روابط

خارجی خود را تنظیم نمایند؛ ایران از این بابت ناخرسند بوده و می‌خواهد ایران و کشورهای یاد شده با توجه به اصول مورد نظرشان سیاست خارجی خود را تنظیم و به مرحله اجرا بگذارند. (۳۳)

در واقع می‌توان گفت تحت تأثیر اقدامات و سیاستهای روسها در گذشته، ایران نمی‌خواهد و اصلاً نمی‌تواند بیش از حد به این کشور اعتماد نماید و همواره نوعی سوء ظن در میان ایرانیان نسبت به روسیه وجود دارد و لذا با توجه به این امر ایران می‌داند که نمی‌تواند خیلی زیاد به انجام مطلوب تعهدات از سوی روسها امیدوار باشد. تأخیر در تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و عدم انجام برخی تعهدات در این باره و وجود تردید همیشگی در میان ایرانیان نسبت به اینکه آیا روسیه به همکاری خود در این باره ادامه خواهد داد و نیز تغییر مواضع دائمی روسها به ویژه در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر، بر این امر صحنه می‌گذارد. رژیم حقوقی دریای خزر از جمله مواردی بوده است که به وضوح نشان داد که روسها به راحتی می‌توانند تغییر موضع داده و تعهدات خود را زیر پا بگذارند. اگر چه روسیه در ابتدا خود را موافق با مواضع ایران نشان می‌داد ولی به تدریج برخلاف خواسته‌های ایران عمل نمود و به مواضع سایر کشورهای حوزه خزر مانند آذربایجان گرایش پیدا کرد. اقدامات و مواضع روسیه چنان بوده که سرانجام ایران را واداشته است که برخلاف گذشته که



بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۱ بین اتحاد شوروی و ایران (اعمال حاکمیت مشترک) تأکید می نمود حال به ۲۰ درصد حق خود در خزر نیز بسنده کند. ولی جالب است که روسها حتی در پی کاهش این حق اندک نیز هستند. در حال حاضر اگرچه از نظر مقامات ایرانی، هر کشور باید از ۲۰ درصد بستر آبهای دریای خزر استفاده کند، اما روسیه به همراه قزاقستان و آذربایجان معتقدند که بر اساس خط ساحل هر کشور، باید آبهای بستر دریای خزر تقسیم شود. اگر طرح روسیه پذیرفته شود، ایران می تواند حداکثر از ۱۳ درصد آبهای کف دریاچه خزر استفاده کند و کشتیهای روسی قادر خواهند بود که از لحاظ راهبردی و نظامی به موقعیت مناسب تری در مقایسه با دیگر کشورها دست یابند.<sup>(۳۴)</sup> اگرچه روسیه به طور ظاهری نشان می دهد که در پی راضی نمودن ایران و ایجاد یک رژیم حقوقی عادلانه و مورد حمایت همه کشورهای منطقه است ولی در عمل ایران را دور زده و بادیستیایی به توافقات دو جانبه با کشورهای حوزه خزر، ایران را در موضع ضعف و انفعال قرار می دهد.

### ۳-۳- همکاری اقتصادی

در دوره پس از اتحاد شوروی به تدریج روابط اقتصادی و تجاری ایران و روسیه گسترش یافته است. داد و ستدهای تجاری مابین دو کشور چنان رشد داشته است که در مراسم امضای یک پروتکل در دسامبر ۲۰۰۴ در پی

نشست دائمی کمیسیون بین حکومتی ایران و روسیه درباره همکاری اقتصادی و تجاری، اعلام گردید که تجارت مابین دو کشور ممکن است به دو میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ برسد.<sup>(۳۵)</sup> البته این امر چنان دور از ذهن نبود زیرا از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سو میزان تجارت کالا بین ایران و روسیه به مرور زمان افزایش پیدا کرده و سه برابر شده است. براساس آمار، تجارت بین ایران و روسیه در سال ۲۰۰۰ به ۹۰۰ میلیون دلار رسید که ۳۰۰ میلیون دلار بیش از سال قبل از آن بود و روسیه از این میزان تجارت به مراتب بیشتر از ایران سود برده است.<sup>(۳۶)</sup> از جمله حوزه های مهم همکاری اقتصادی و تجاری مابین دو کشور (فراتر از داد و ستدهای نظامی) می توان به این موارد اشاره کرد: خرید هواپیماهای توپولوف توسط ایران، ساخت و پرتاب ماهواره زهره، اکتشاف، استخراج و انتقال نفت و گاز به پاکستان، هندوستان و اروپا، حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی کالاها و نیز کشتیرانی در دریاچه خزر و....<sup>(۳۷)</sup>

روسیه توانسته از مشکلات ایران نهایت استفاده را نموده و به تأمین کننده بسیاری از نیازهای فنی- تکنولوژیکی ایران تبدیل گردد. در جایی که ایران نمی تواند به آسانی به فن و تکنولوژی غربی دسترسی یابد، بالا جبار روسیه و یا کشورهای دیگری همچون چین را جایگزین مناسبی یافته است. بنابراین در صورت گشایش در روابط ایران با کشورهای اروپایی و فراتر از

آن ایالات متحده، روسیه بسیاری از منافع اقتصادی کنونی اش را از دست خواهد داد. در جایی که ایران بتواند فن و تکنولوژی بهینه تر و کارآمدتر را از غرب تأمین کند، دیگر چه نیازی بر این خواهد بود که خود را وابسته به ساختهای روسی کند. این واقعیتی است که روسیه بر آن اشرف داشته و تأمین مطلوب منافع خود را در تیره و کساد بودن روابط ایران با غرب می جوید. یک ایران متخاصم با غرب بالاجبار به روسیه نزدیکتر شده که این یعنی منافع بیشتر برای روسیه و از سوی دیگر روسیه همواره می تواند از برقراری روابط خاص با ایران به عنوان یک ابزار چانه زنی در برابر آمریکا استفاده کند.

### فرجام

به خاطر سوابق تاریخی سیاستها، اقدامات و رفتارهای روسها نسبت به ایران، روسیه در ذهن و ادراک ایرانی تصویر خوبی ندارد. ذهنیت منفی هویت ایرانی نسبت به روسیه همواره مانعی جدی در تعاملات ایران و روسیه است و به طور جدی مانع از اعتماد زیاد ایران به روسیه می گردد. اگر در دوره پس از فروپاشی شوروی به تدریج روابط ایران با روسیه گسترش یافته، بیشتر به خاطر این بوده است که ایران مسائل و مشکلات جدی با غرب داشته و تحت تأثیر فشارها و مقدمات ناشی از این امر، بالاجبار به روسیه گرایش پیدا کرده است. البته روسیه نیز از گسترش روابط با ایران استقبال کرده

سختی فرهنگی وجود داشته باشد، موضوعی که در تعاملات ایرانی-روسی مشاهده نمی شود. اگرچه تحت برخی مقدمات و فشارهای سیستمی و محیطی ممکن است بین دو یا چند کشور برخی همکاریها گسترش یابد و در سطح پیشرفته ترش نوعی اتحاد ایجاد گردد ولی چنین اتحادی همواره شکننده و سست خواهد بود زیرا زیربنای فکری و فرهنگی تعارضی همواره می تواند نیروهای شکاف و واگرایی را فعال نماید و موجب جلوه نمودن هویت اصلی و حقیقی کنشها گردد. در مورد ایران و روسیه نیز می توان گفت که اگرچه در دوره پس از فروپاشی شوروی همکاریها در برخی حوزه ها رشد پیدا کرده است ولی همواره و در تمام مراحل تعاملات، عنصر ذهنیت و ادراکات ایرانی مانع از اعتماد کامل ایران به روسیه می گردد.

برخی اقدامات روسها در سالیان اخیر به ویژه در زمینه رژیمن حقوقی دریای خزر که برخلاف منافع ایران بوده است، تأیید کننده صحت عدم قطعیت و بی اعتمادی ایرانیان نسبت به روسها بوده است. آیا می توان به کشوری اعتماد نمود که با تغییر مواضع دائمی اش و انجام برخی اقدامات بر خلاف سیاستهای اعلامی اش (به توافق رسیدن با سایر کشورهای حوزه خزر)، ایران را در مسئله رژیمن حقوقی خزر به ضعف کشانده به گونه ای که به ۲۰ درصد سهم خود راضی گردد؟ جالب اینکه در حال حاضر روسیه به این حداقل حق و خواسته ایران نیز احترام

نگذاشته و از طرحی حمایت می کند که در آن ایران تنها به ۱۲ یا ۱۳ درصد سهم از خزر راضی گردد.

تاریخ، صحنه ی تکرار وقایع و رفتارها است و ملتی موفق و کامروا است که از گذشته خود به خوبی درس گیرد.

اگر روسیه خواهان حفظ و گسترش همکاریهای خود با ایران است باید به حقوق تاریخی و منافع مردم ایران احترام گذاشته و سعی در بهبود ذهنیت و نگرش ایرانیان نسبت به خود نماید.

### پانوشتها

۱. محمود سریع القلم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازمینی نظری و پارادایم ائتلاف، (تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹)، ص ۵۴.
۲. کی. جی. هالستی، مبانی تحلیل سیاست بین المللی، ترجمه بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶) ص ۱۸۰.
۳. احمد نقیب زاده، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۱) ص ۱۱.
۴. ادموند هرزیگ، ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵) ص ۱۱.
۵. سید رسول موسوی، «روسها در چشم ایرانیان: آسیب شناسی روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴) ص ۵۸.
۶. گراهام فولر، قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷) ص ۱۶۰.
۷. همان، ص ۱۵۸.
۸. ادموند هرزیگ، پیشین، ص ۱۰.
۹. در مورد روند گسترش طلبی روسها و جنگهای آنها با ایران رجوع شود به:

۲۰. منوچهر پایور، «روند جدید روابط ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۴، (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۷.
21. Robert O. Freedman, "Russian-Iranian Relations in the 1990s", **Middle East Review of International Affairs (MERIA)**, Volume 4, Number 2, (June 2000).  
<http://216.239.57.104/searchq=cache:BjhZuuB6PMJ:radiobergen.org/russia/russia-iran-relations.ht...>
22. *Ibid.*
۲۳. ادموند هرزیگ، پیشین، ص ۲۰.
۲۴. منوچهر پایور، پیشین، ص ۱۲.
۲۵. الهه کولائی، پیشین، ص ۳۰۳.
26. Mark A Smith, "The Russo-Iranian Relationship", **Conflict Studies Research Centre**, (1 August 2002)  
<http://www.da.mod.uk/CSRC/documents/Russian/OB93>.
27. Anger at Russia-Iran nuclear ties", <http://cnn.worldnews.clickability.com/pt/optaction=cpttitle-CNN.com+-+Anger+at+Russ...>
۲۸. منوچهر پایور، پیشین، ص ۱۲.
29. Mark A Smith, *op.cit.*
۳۰. لئونید اسکلیارف، «روابط استراتژیک ایران و روسیه»، ترجمه بهرام تهرانی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۴۸.
۳۱. مهرداد محسنین، «افقهای همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۱۰۷.
۳۲. ادموند هرزیگ، پیشین، ص ۷۸.
۳۳. منوچهر پایور، پیشین، صص ۱۴-۱۵.
۳۴. همان، ص ۱۷.
35. "Iran- Russia trade may rise to \$2 b", **Persian Journal**, (Dec 18,2004),  
<http://www.iranian.ws/iran news/publish/articale 5002.shtml>.
۳۶. منوچهر پایور، پیشین، صص ۱۰-۱۱.
- 37- "Iran / Russia economic cooperation committee session begins", **NETIRAN. CON**,  
<http://www.netiran.com/php/pnw.php?nwid = 2368>
- بهرام امیر احمدیان، «جنگهای ایران و روسیه و جدایی قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶، (تابستان ۱۳۸۳).
۱۰. گراهام فولر، پیشین، ص ۱۶۱.
۱۱. سید رسول موسوی، پیشین، ص ۵۲.
۱۲. فیروز کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴؛ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱) ص ۴.
۱۳. همان.
۱۴. قرارداد ۱۹۰۷ شدیداً موجب افزایش نفرت ایرانیان نسبت به روسیه و انگلیس شد و به عنوان یک اقدام موهن و ننگین این دو دولت استعمارگر در ذهنیت تاریخی ایرانی حک شد. ملک الشعراء بهار در واکنش به این قرارداد و نکوهش آن قصیده‌ای با عنوان «پیام به وزیر خارجه انگلستان» سرود که منعکس کننده خشم ایرانیان است. رجوع شود به دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، جلد اول، ص ۲۰۵-۲۰۷.
۱۵. الهه کولائی، فدراسیون روسیه، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۸) ص ۲۸۸.
۱۶. فیروز کاظم زاده، پیشین، ص ۶۴۰.
۱۷. خشم و نفرت ایرانیان نسبت به اقدام روسیه در حمایت از محمد علی شاه در سرکوب جنبش مشروطه و نیز یورش نیروهای روس به حرم امام رضا(ع) را می‌توان در شعر «توپ روس» ملک الشعراء بهار به خوبی مشاهده نمود:  
چشم دوزید و ببینید که این پاک حرم  
قتلگاهی است که خون، موج زند سرتاسر  
پس بیالختی و بیدار عدو را بشنو  
پس بیبا زود زیارتگه ما بنگر  
بنگر که باز این خیره تمدن خواهان  
کرده آن کار که وحشی ننماید باور  
هشتمد مرد و زن از بومی و زوار و غریب  
داده جان از یورش لشکر روس کافر  
مفسد ار فتنه کند، کاخ رضا را چه گناه  
مار گر حیلہ کند، باغ جنان را چه خطر  
بقعه و کاخ اگر بوده مقام اشترار  
ز چه گنبد را کردید خراب و ابتر  
بقعه و کاخ رضا را چه غارت کردید  
ای همه راهزن و بد کنش و غارتگر  
نه به گنبد خورد این آتش توپ و بیداد  
بلکه بر قلب علی خورد و دل پیغمبر  
ملک الشعراء بهار، پیشین، ص ۲۴۴-۲۵۰.
۱۸. گراهام فولر، پیشین، ص ۱۷۰.
۱۹. الهه کولائی، پیشین، ص ۲۹۶.